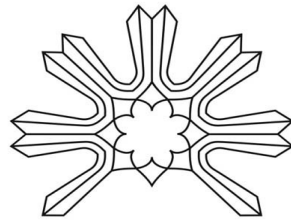


بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشگاه محقق اردبیلی

دانشکده ادبیات و علوم انسانی  
گروه روان‌شناسی

بررسی اثربخشی آموزش حل مسأله اجتماعی در پرخاشگری نوجوانان بزهکار

استاد راهنما:

دکتر حسین قمری گیوی

استاد مشاور:

دکتر عادل زاهد بابلان

نگارش:

ابراهیم رفاقت خواجه

تابستان ۱۳۹۰

تقدیم به

پدر و مادر عزیزم

و همه اعضای خانواده ام

که همیشه یار و پشتیبانم بوده‌اند.

## تشکر و سپاس

با تشکر فراوان از اساتید گرامی جناب آقای دکتر حسین قمری گیوی و جناب آقای دکتر عادل زاهد بابلان که در این پژوهش به عنوان اساتید راهنما و مشاور کنارم بودند.

و با سپاس از همه اساتید واحد روانشناسی دانشگاه محقق که در این دوره تحصیلی ما را همراهی کردند.

نام خانوادگی دانشجو: رفاقت خواجه	نام: ابراهیم
عنوان پایان‌نامه: بررسی اثربخشی آموزش حل مسئله اجتماعی در پرخاشگری نوجوانان بزهکار	
استاد راهنما: دکتر حسین قمری گیوی استاد مشاور: دکتر عادل زاهد بابلان	
مقطع تحصیلی: کارشناسی ارشد	رشته: روانشناسی
دانشکده: ادبیات و علوم انسانی	تاریخ فارغ التحصیلی: ۱۳۹۰ / ۴ / ۱۲
محقق اردبیلی	دانشگاه: محقق اردبیلی
تعداد صفحه: ۱۲۵	
کلید واژه‌ها: آموزش حل مسئله اجتماعی، پرخاشگری، حل مسئله اجتماعی، نوجوانان بزهکار	
چکیده:	
<p>هدف اصلی پژوهش حاضر بررسی اثربخشی آموزش حل مسئله اجتماعی در پرخاشگری نوجوانان بزهکار می باشد. این پژوهش از نوع آزمایشی است. جامعه آماری این پژوهش شامل کلیه نوجوانان حاضر در کانون های اصلاح و تربیت شهر تبریز می باشد. نمونه پژوهش شامل ۳۰ نفر از نوجوانانی بود که در پرسشنامه پرخاشگری باس و پری نمرات بالایی کسب کردند که این ۳۰ نفر به صورت تصادفی در دو گروه آزمایش و کنترل جایگزین شدند. گروه آزمایش طی ۸ جلسه ۶۰ دقیقه ای در معرض آموزش حل مسئله اجتماعی قرار گرفت و پیش آزمون و پس آزمون برای هر دو گروه اجرا شد. در این پژوهش از پرسشنامه پرخاشگری باس و پری و همچنین پرسشنامه تجدید نظر شده حل مسئله اجتماعی برای جمع آوری داده ها استفاده شد. داده های پژوهش با استفاده از آزمون تحلیل واریانس چند متغیری (MANOVA) مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. نتایج تحلیل داده ها نشان داد که بین میانگین نمرات پرخاشگری و زیر مقیاس های آن یعنی پرخاشگری بدنی، پرخاشگری کلامی، خشم و خصومت در پس آزمون بین دو گروه آزمایش و کنترل تفاوت معناداری وجود دارد. متغیرهای مذکور در پس آزمون نسبت به پیش آزمون در گروه آزمایش کاهش معناداری داشتند. همچنین نتایج نشان دادند که بعد از آموزش حل مسئله اجتماعی، بین میانگین نمرات تمام زیر مقیاس های حل مسئله اجتماعی یعنی جهت گیری مثبت نسبت به مسئله، جهت گیری منفی نسبت به مسئله، سبک منطقی، سبک تکانشی- بی احتیاطی و سبک اجتنابی در گروه آزمایش نسبت به گروه کنترل بین پیش آزمون و پس آزمون تفاوت معناداری وجود دارد. بنابراین می توان نتیجه گرفت که با استفاده از آموزش حل مسئله اجتماعی می توان مشکلات پرخاشگری و حل مسئله نوجوانان بزهکار را کاهش داد.</p>	

## فهرست مطالب

صفحه

عنوان

---

۱	فصل اول: کلیات پژوهش
۲	۱-۱- مقدمه
۵	۲-۱- بیان مسأله
۱۰	۳-۱- اهمیت و ضرورت پژوهش
۱۰	۴-۱- اهداف پژوهش
۱۲	۱-۴-۱- اهداف کلی
۱۲	۲-۴-۱- اهداف اختصاصی
۱۲	۵-۱- فرضیه های پژوهش
۱۳	۶-۱- تعاریف نظری و عملیاتی متغیرها
۱۶	فصل دوم: مبانی نظری و پیشینه پژوهش
۱۷	۱-۲- مقدمه
۱۷	۲-۲- بزهکاری
۱۷	۱-۲-۲- تعریف بزه، بزهکار و بزهکاری
۱۹	۳-۲- شیوع و علل بزهکاری
۲۰	۴-۲- سن، ترتیب تولد و هوشبهر بزهکاران
۲۱	۵-۲- هیجان خواهی و بزهکاری
۲۳	۶-۲- دلبستگی و بزهکاری
۲۴	۷-۲- برونگرایی و بزهکاری
۲۸	۸-۲- پرخاشگری و بزهکاری
۲۶	۹-۲- جرم، شناخت اجتماعی، پرخاشگری و حل مسئله اجتماعی
۲۹	۱۰-۲- پرخاشگری
۳۱	۱۱-۲- تعریف پرخاشگری
۳۱	۱۲-۲- انواع پرخاشگری
۳۲	۱۳-۲- نظریه های پرخاشگری
۳۲	۱-۱۳-۲- نظریه فردیت زدایی پرخاشگری زیمباردو
۳۳	۲-۱۳-۲- نظریه انسانیت زدایی - پرخاشگری فشاخ

۳۳	..... نظریه انتقال برانگیختگی
۳۳	..... نظریه درونگرایی - برونگرایی آیزنک
۳۴	..... مدل شرمساری - پرخاشگری تانگنی
۳۴	..... مدل پرخاشگری - پرخاشگری
۳۴	..... رفتار پرخاشگرانه در مراحل رشد کودکی و نوجوانی
۳۶	..... تفاوت های جنسیتی در پرخاشگری
۳۷	..... عوامل خطر ساز پرخاشگری
۳۸	..... عوامل خطر ساز موثر در پرخاشگری از جانب کودک
۳۹	..... عوامل خطر ساز موثر در پرخاشگری از جانب والدین
۳۹	..... عوامل خطر ساز موثر در پرخاشگری بر اساس تعامل والدین - کودک
۴۰	..... مداخلات در زمینه پرخاشگری
۴۲	..... حل مسئله اجتماعی
۴۲	..... حل مسئله و راهبردهای مقابله‌ای
۴۴	..... تفاوت‌های فردی در روش‌های مقابله‌ای
۴۵	..... مفاهیم حل مسئله اجتماعی
۴۵	..... حل مسئله اجتماعی و روانشناسی بالینی
۴۶	..... مدل نظری حل مسئله اجتماعی
۴۸	..... مهارت های حل مسئله
۵۰	..... عوامل تاثیرگذار در حل مسئله اجتماعی
۵۰	..... عوامل ژنتیکی
۵۰	..... ویژگی های شخصیتی
۵۱	..... عاطفه
۵۱	..... خوش بینی - بدبینی
۵۱	..... امید
۵۱	..... عوامل موثر موقعیتی و بافتی در حل مسئله اجتماعی
۵۲	..... بافت رشدی در گستره عمر و روابط آن با حل مسأله اجتماعی
۵۲	..... جنسیت و رابطه آن با حل مسئله اجتماعی
۵۳	..... آموزش حل مسئله اجتماعی
۵۵	..... پیشینه تحقیق
۶۵	..... جمع بندی

۶۷	فصل سوم: روش بررسی
۶۸	۱-۳- مقدمه
۶۸	۲-۳- روش پژوهش و دلیل انتخاب آن
۶۸	۳-۳- جامعه، نمونه و روش نمونه گیری
۶۹	۴-۳- ابزارهای پژوهش
۶۹	۱-۴-۳- چک لیست ویژگی های جمعیت شناختی
۶۹	۲-۴-۳- پرسشنامه پرخاشگری (AQ) باس و پری (۱۹۹۲)
۷۰	۳-۴-۳- پرسشنامه تجدید نظر شده حل مسئله اجتماعی
۷۲	۵-۳- روش اجرا
۷۳	۶-۳- روش مداخله (آموزش حل مسئله اجتماعی)
۷۴	۷-۳- معیارهای ورود و خروج آزمودنی ها
۷۵	۸-۳- روش تجزیه و تحلیل آماری
۷۶	فصل چهارم: نتایج تحقیق
۷۷	۱-۴- مقدمه
۷۷	۲-۴- یافته های جمعیت شناختی
۷۹	۳-۴- یافته های توصیفی
۸۲	۴-۴- یافته های مربوط به فرضیه ها
۹۱	فصل پنجم: بحث و نتیجه گیری
۹۲	۱-۵- بحث در نتایج
۹۲	۲-۵- فرضیه اول: پرخاشگری
۹۵	۳-۵- فرضیه دوم: حل مسأله اجتماعی
۹۸	۴-۵- محدودیت های پژوهش
۹۹	۵-۵- پیشنهادات پژوهش
۱۰۰	منابع
۱۱۴	پیوست



## فهرست جداول

صفحه

عنوان

---

جدول ۱-۳: نحوه اجرای مداخله در گروه های آزمایش و کنترل .....	۶۸
جدول ۲-۳: مراحل مداخله حل مسأله اجتماعی .....	۷۴
جدول ۱-۴: توزیع فراوانی و درصد وضعیت سنی نوجوانان بزهکار .....	۷۷
جدول ۲-۴: توزیع فراوانی و درصد وضعیت تحصیلات نوجوانان بزهکار .....	۷۸
جدول ۳-۴: توزیع فراوانی و درصد وضعیت تحصیلات پدران نوجوانان بزهکار .....	۷۸
جدول ۴-۴: توزیع فراوانی و درصد وضعیت تحصیلات مادران نوجوانان بزهکار .....	۷۹
جدول ۵-۴: میانگین و انحراف معیار پیش آزمون و پس آزمون متغیر پرخاشگری و زیرمقیاس های آن در گروه آزمایش و کنترل .....	۸۰
جدول ۶-۴: میانگین و انحراف معیار پیش آزمون و پس آزمون متغیر حل مسئله اجتماعی و زیرمقیاس های آن در گروه آزمایش و کنترل .....	۸۱
جدول ۷-۴: نتایج آزمون t برای دو گروه در متغیر پرخاشگری .....	۸۳
جدول ۸-۴: نتایج آزمون باکس برای پیش آزمون و پس آزمون متغیر پرخاشگری در گروه آزمایش و کنترل .....	۸۴
جدول ۹-۴: نتایج آزمون لوین برای پیش آزمون و پس آزمون زیر مقیاس های پرخاشگری در گروه آزمایش و کنترل .....	۸۴
جدول ۱۰-۴: نتایج آزمون معناداری تحلیل واریانس چند متغیری در متغیرهای مورد مطالعه .....	۸۵
جدول ۱۱-۴: خلاصه نتایج آزمون معنی داری تحلیل واریانس چند متغیری (MANOVA) بر روی زیر مقیاس های پرخاشگری دو گروه .....	۸۶
جدول ۱۲-۴: نتایج آزمون باکس برای پیش آزمون و پس آزمون متغیر حل مسئله اجتماعی در گروه آزمایش و کنترل .....	۸۷
جدول ۱۳-۴: نتایج آزمون لوین برای پیش آزمون و پس آزمون زیر مقیاس های حل مسئله اجتماعی در گروه آزمایش و کنترل .....	۸۸
جدول ۱۴-۴: نتایج آزمون معناداری تحلیل واریانس چند متغیری در متغیرهای مورد مطالعه .....	۸۸
جدول ۱۵-۴: خلاصه نتایج آزمون معنی داری تحلیل واریانس چند متغیری (MANOVA) بر روی زیر مقیاس های حل مسئله اجتماعی دو گروه .....	۸۹

# فصل اول

## کلیات تحقیق

بررسی ترکیب سنی جمعیت کشور نشان‌دهنده بافت جوان آن است. این واقعیت سبب شده تا طی سال‌های اخیر به گروه سنی کف هرم جمعیت و افراد با سنین کمتر از ۱۸ سال توجه بیشتری شود. بسیاری از صاحب‌نظران موکدا هشدار می‌دهند که در صورت عدم توجه به سلامت فردی و اجتماعی این افراد، در آینده شاهد صدمات جبران‌ناپذیری به کشور و منابع ملی خواهیم بود. به دلیل همین حساسیت عمومی طی سال‌های اخیر پدیده بزه<sup>۱</sup> و بزهکاری<sup>۲</sup> به عنوان یک مشکل اجتماعی بیش از گذشته مورد توجه قرار گرفته است.

علی‌رغم پیشرفت‌هایی که بشر در طی دو قرن گذشته در زمینه علوم و فناوری کسب کرده، در حالی وارد قرن بیست و یکم شده‌است که دارای مشکلات متعدد و فزاینده تربیتی و اخلاقی به ویژه در ارتباط با کودکان و نوجوانان می‌باشد. بنابر آمار و اطلاعات رسمی و منتشر شده منطقه‌ای و جهانی، پدیده بزهکاری نوجوانان در اغلب کشورها رو به گسترش است. با وجود این، متخصصان به ویژه در رشته‌های روان‌شناسی، جرم‌شناسی و جامعه‌شناسی هر یک به نوعی در تبیین این پدیده نظریاتی ارائه کرده‌اند (اکبری، ۱۳۸۱؛ ابوالمعالی، ۱۳۸۹). بنا به تعریف، بزهکاران، کودکان یا نوجوانانی هستند که اقدامات غیرقانونی انجام می‌دهند (برک<sup>۳</sup>، ۱۳۸۸). هم بازداشت‌های پلیس و هم گزارش‌های شخصی نشان می‌دهند که بزهکاری در اوایل سال‌های نوجوانی افزایش می‌یابد، اواسط نوجوانی در سطح بالا می‌ماند و بعد در اوایل بزرگسالی کاهش می‌یابد. بیشتر تحقیقات نشان از این دارد که تایید شدن توسط همسالان، رفتار ضداجتماعی را در نوجوانان افزایش می‌دهد. به مرور زمان، همسالان قدرت نفوذ خود را از دست می‌دهند، استدلال اخلاقی رشد می‌کند و نوجوانان وارد موقعیت‌های اجتماعی مانند ازدواج و کار می‌شوند که کمتر قانون شکنی در پی دارند (برک، ۱۳۸۸). اما برخی کودکان و نوجوانان هستند که با

---

<sup>۱</sup> - crime

<sup>۲</sup> - delinquency

<sup>۳</sup> - Berk

وجود درگیری با قانون در این سنین در دوره‌های بعدی زندگی نیز این روند را ادامه می‌دهند و به عنوان مجرم شناخته می‌شوند و همین مسأله باعث درگیری مکرر آنها با پلیس و دستگاه قضا می‌شود.

تعریف قانونی بزهکاری به قوانینی بستگی دارد که در طول زمان تغییر می‌کند و در جوامع مختلف متفاوت است. به طور مثال سن که در آن افراد جوان مسئول جرم شناخته می‌شوند در جوامع مختلف متفاوت است: در اسکاتلند ۸، در انگلستان و ولز ۱۰، در ایرلند ۷، در فرانسه ۱۳، در آلمان ۱۴، در سوئد ۱۵ و در اسپانیا ۱۶ (مک گوایر<sup>۱</sup>، ۲۰۰۶) و در کانادا و هلند ۱۲ سال است. در ایران، مطابق قوانین پس از انقلاب اسلامی سن وقوع جرم که مشمول مجازات کیفری می‌شود منطبق بر بلوغ شرعی است. بلوغ شرعی مشخص‌کننده مرز بین طفل و غیرطفل است و با استناد به ماده ۱۲۱۰ قانون مدنی در امور اجرایی برای دختران ۹ سال و برای پسران ۱۵ سال تمام قمری، مرز خروج از دوره کودکی است (ابوالمعالی، ۱۳۸۹). رفتار بزهکارانه نوجوانان، طیف وسیعی از انحرافات اجتماعی را دربرمی‌گیرد که هم شامل رفتارهایی نظیر فرار از مدرسه است که از نظر اجتماعی پذیرفته نیست و هم شامل اعمال غیرقانونی نظیر سرقت است (احمدی، ۱۳۸۴؛ به نقل از ابوالمعالی، ۱۳۸۹). در صورتی که جرائم نوجوانان منجر به وارد کردن آسیب عمدی یا غیر عمدی به دیگران شود، جرائم آنان پرخاشگرانه محسوب می‌گردد. بیشترین مشکلی که کودکان و نوجوانان بزهکار<sup>۲</sup> با آن روبرو هستند و هر لحظه هم با آن سروکار دارند، عدم کنترل کافی آنها روی پرخاشگری خود است.

از میان بسیاری از رفتارهای خودکنترلی که فرد بایستی در طول زندگی بیاموزد شاید هیچ یک به اندازه پرخاشگری<sup>۳</sup> اهمیت نداشته باشد، زیرا عدم توانایی در کنترل پرخاشگری باعث تحمیل هزینه‌های بسیاری بر فرد در موقعیت‌های مختلف زندگی می‌گردد (جویرمن، اندرسون و استراتمن<sup>۴</sup>، ۲۰۰۳). پرخاشگری از رایجترین اختلالات دوران کودکی و نوجوانی است که ممکن است با اختلالات دیگری مانند اختلالات مقابله‌ای و سلوک (نیکسون<sup>۵</sup>، ۲۰۰۲؛ انجمن روانپزشکی آمریکا، ۲۰۰۲؛ شریفی، ۱۳۸۴؛ کاپلان و سادوک، ۱۳۸۷)، اختلال بیش‌فعالی، اختلالات خلقی، اختلالات شخصیت و غیره ظاهر شود (انجمن روانپزشکی آمریکا، ۲۰۰۲؛ تورگی<sup>۶</sup>، ۲۰۰۴). علت مراجعه بسیاری از والدین در مورد کودکان و

1 - Mcguier

2 - deliquent

3 - aggression

4 - Joireman, Anderson & Strathman

5 - Nixon

6 - Torgey

نوجوانان به مراکز روانشناختی همین پرخاشگری است. کودکان و نوجوانان پرخاشگر ممکن است خطاهای پردازش شناختی داشته باشند که تعبیر و تفسیر تعاملات اجتماعی خود و دیگران را برای آنها دشوار می‌سازد (پاکاسلاتی<sup>۱</sup>، ۲۰۰۰؛ شریفی، ۱۳۸۴). بنابراین روش‌های شناختی- رفتاری مثل حل مسأله اجتماعی<sup>۲</sup> برای چنین کودکان و نوجوانان هم در زمینه مفهوم سازی و هم در زمینه درمان پرخاشگری می‌تواند مفید واقع گردد (هنین، وارمن و کندال<sup>۳</sup>، ۲۰۰۲).

درمان‌های شناختی- رفتاری<sup>۴</sup> رویکرد نسبتاً نوپایی هستند که در مدت کوتاهی توانسته‌اند تمام درمان‌های پیش‌تر از خود را پشت سر گذاشته و به عنوان اولین ترجیح درمانی بسیاری از درمانگران مورد استفاده گسترده قرار گیرند. این رویکردها با تکیه بر اصول و قواعد برخاسته از رشته‌های مختلف روان‌شناسی و سایر علوم وابسته توانستند سالم زیستن و سالم اندیشیدن را بیاموزند. رفتار درمانی شناختی خود از تلفیق دو رویکرد رفتاردرمانی و شناخت‌درمانی (چه در قالب شناخت‌درمانی و چه در چارچوب روانشناسی شناختی و دانش شناخت پایه) پدید آمد. به عبارت دیگر، می‌توان گفت که در رفتاردرمانی شناختی، نقاط قوت رویکرد رفتاری و شناختی یعنی عینی‌گرایی، ارزیابی و سنجش از یک سو و دخالت‌دادن نقش حافظه در بازسازی شناختی و تفسیر اطلاعات از سوی دیگر گرد آمده‌اند و به صورت پیکره واحد در قالب رویکردی جدید در آمده‌اند. امروزه این رویکرد نظریه‌ها و نگرش‌های نسبتاً متفاوتی را در خود جای داده‌است که شاید بتوان تنها وجه مشترک آنها را توجه واسطه‌ای به فرایندهای شناختی در پردازش اطلاعات و بروز واکنش فرد به محرک‌ها دانست. در حال حاضر درمان شناختی- رفتاری کاربردهای وسیعی دارد و بسیاری از این کاربردها به مواردی مربوط می‌شود که با استفاده از سایر روش‌ها نمی‌توان آنها را به سادگی و به شکلی موثر درمان کرد (هاتورن، سالکوسکیس، کرک و کلارک<sup>۵</sup>، ۱۹۸۹؛ ترجمه قاسم زاده، ۱۳۸۵).

امروزه گسترش بزهکاری در جامعه، به ویژه در بین نوجوانان، از حساسیت‌های ویژه‌ای برخوردار شده است. بازتاب چنین حساسیت‌هایی زمینه را برای پژوهش‌ها و رویکردهای علمی به منظور علت‌یابی و ارائه‌ی راهکارهای بهینه فراهم می‌سازد؛ یکی از این رویکردها، رویکرد حل مسأله اجتماعی

---

1 - Pakaslahti

2 - social problem-solving

3 - Hennis, Warman & Kendall

4 - cognitive behavior therapy

5 - Hawton, Salkovskis, Kirk & Clark

می‌باشد. در زمینه کاربرد روش‌های مداخله‌ای مثل حل مسئله اجتماعی بر روی نوجوانان بزهکار، بایستی به مرحله رشدی که نوجوانان در آن قرار دارد، سطح رشد شناختی و عاطفی آنها و ایجاد انگیزه کافی برای شروع و پیگیری درمان توجه کرد.

هدف کلی از انجام این پژوهش نیز بررسی اثربخشی آموزش حل مسئله اجتماعی بر پرخاشگری نوجوانان بزهکار می‌باشد.

## ۱-۲- بیان مسأله

بی‌تردید در عصر حاضر، موضوع کودکان و نوجوانان بزهکار یکی از مسائل دشوار و ناراحت‌کننده‌ای است که توجه بسیاری از متخصصان از جمله روانشناسان، جامعه‌شناسان و جرم‌شناسان را به خود جلب کرده‌است. آنان اغلب درصدد پاسخگویی به این سوال هستند که چرا تعدادی از کودکان و نوجوانان در جرائم مختلف از جمله جرائم پرخاشگرانه و جامعه‌ستیزانه شرکت می‌کنند و چگونه می‌توان از جرائم آنها پیشگیری کرد. در جامعه‌شناسی انحرافات، هرگونه رفتار، عقیده یا شرایطی که هنجارهای اجتماعی را نقض کند، انحراف اجتماعی خوانده می‌شود (احمدی، ۱۳۸۴؛ به نقل از ابوالمعالی، ۱۳۸۹). رفتار انحرافی کودکان و نوجوانان نرسیده به سن قانونی را بزهکاری و کودکان و نوجوانان مرتکب به این رفتارها را بزهکار می‌نامند (شومیکر<sup>۱</sup>، ۱۹۹۰؛ به نقل از ابوالمعالی، ۱۳۸۹). با توجه به شیوع بالای جرائم پرخاشگرانه، صدمات جسمی و روانی که به قربانیان این جرائم وارد می‌شود و همچنین صرف منابع هنگفت مالی برای ترمیم و اصلاح صدمات حاصل از این جرائم ضرورت توصیف، شناخت، درمان و بازپروری افراد پرخاشگر و جامعه‌ستیز مطرح می‌شود.

روانشناسان پرخاشگری را رفتاری می‌دانند که به دیگران آسیب می‌رساند یا بالقوه می‌تواند آسیب‌رسان باشد. این آسیب‌رساندن به حالت‌های مختلف صورت می‌گیرد و خشونت تنها یکی از انواع پرخاشگری محسوب می‌گردد. خشم یک هیجان ارضاء‌کننده و در عین حال، ویران‌کننده است؛ سامانه درونی ما را فعال می‌کند؛ ما را برای رویارویی با خطرهای بالقوه پیرامون آماده می‌کند (تایلر و نوآکو<sup>۲</sup>، ۲۰۰۵).

---

<sup>۱</sup> - Shomiker

<sup>۲</sup> - Taylor & Novaco

آثار زیانبار خشم هم متوجه درون شخص و هم متوجه بیرون اوست. ناتوانی در مدیریت خشم، افزودن بر ناراحتی شخصی، اختلال در سلامت عمومی و روابط میان‌فردی، ناسازگاری و پیامدهای زیانبار رفتار پرخاشگرانه را در پی دارد (شریفی، ۱۳۸۴؛ نویدی، ۱۳۸۷).

پرخاشگری کودکان و نوجوانان علل مختلف دارد؛ از جمله عوامل اجتماعی نظیر شکست و ناامیدی، رنجاندن و تحریک مستقیم کودک و نوجوان توسط دیگران و بخصوص مشاهده فیلمها و رفتارهای خشونت آمیز در خانواده یا از طریق تلویزیون و غیره (تاکاهاشی، کوسکی و شیمادا<sup>۱</sup>، ۲۰۰۹). همچنین عوامل محیطی نظیر آلودگی هوا، سر و صدا و تراکم جمعیت موجب افزایش تحریک‌پذیری می‌شود.

عوامل موقعیتی شامل بالا رفتن سطح تحریک فیزیولوژیک ناشی از فعالیت‌ها و ورزش‌های سنگین و رزمی و نیز مشاهده فیلم‌های مهیج، موجب افزایش پرخاشگری آشکار می‌گردد. از دیگر عوامل موقعیتی به درد جسمی، عوامل هورمونی بخصوص در دوران بلوغ، ژنتیکی و فرهنگی، وجود خشونت در خانواده به عبارتی الگوبرداری، تقویت و تشویق و سابقه اختلالات رفتاری در والدین و نیز کودکان و نوجوانانی که بهره‌های کمتری دارند، می‌توان اشاره کرد. جنسیت کودک یکی دیگر از عواملی است که در بروز رفتار پرخاشگرانه می‌تواند موثر باشد؛ مثلاً پسرها در مقایسه با دخترها، رفتارهای تهاجمی بیشتری از خود نشان می‌دهند. در صورتی که برای کودک و یا نوجوان بی‌قرار، مداخله مناسبی صورت نگیرد او به طرف پرخاشگری و تهاجم بیشتر و یا انجام رفتارهای خشن سوق داده می‌شود. بنابراین بی‌قراری کلامی زنگ خطری برای پرخاشگری محسوب می‌شود (تاکاهاشی و همکاران، ۲۰۰۹).

با تمام این مسائلی که مطرح شد، می‌توان گفت، پرخاشگری یکی از مسائل مهم دوره رشد بخصوص دوره نوجوانی است (نانجل، تردلی، کارپنتر و نیومن<sup>۲</sup>، ۲۰۰۲؛ پلگرینی و لانگ<sup>۳</sup>، ۲۰۰۲؛ شریفی، ۱۳۸۴؛ بونیکا، یشوا، آرنولد، فیشر و زلجو<sup>۴</sup>، ۲۰۰۳؛ به نقل از عاشوری، ترکمن ملایری و فدایی، ۱۳۸۷) و مشکلات مربوط به خشم همچون کینه‌ورزی و پرخاشگری از دلایل مهم ارجاع نوجوانان برای مشاوره و روان‌درمانی است (آبیکوف و کلین<sup>۵</sup>، ۱۹۹۲؛ سوخودولسکی، کاسینوف و گرم<sup>۶</sup>، ۲۰۰۴؛ به نقل از عاشوری و همکاران، ۱۳۸۷). آنچه که باعث توجه پژوهشگران به پرخاشگری شده، پیامدهای اینگونه

<sup>۱</sup> -Takahashi, Koseki & Shimada

<sup>۲</sup> - Nangle & Erdley & Carpenter & Newman

<sup>۳</sup> - Pellegrini & Long

<sup>۴</sup> - Bonica & Yeshova & Arnold & Fisher & Zeljo

<sup>۵</sup> - Abikoff & Klein

<sup>۶</sup> - Sukhodolsky & Kassinoe & Gorman

رفتارها برای نوجوانان مانند ایجاد تصویر منفی در میان همسالان و آموزگاران، طرد از سوی همسالان، افت تحصیلی، مصرف مواد و بزهکاری می‌باشد (لاچمن و وایلند<sup>۱</sup>، ۱۹۹۴، به نقل از عاشوری و همکاران، ۱۳۸۷). نوجوانان پرخاشگر معمولاً توان مهار رفتار خود را ندارند و معیارها و ارزش‌های جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کنند را به راحتی زیر پا می‌گذارند. در بیشتر موارد والدین و اولیای مدارس با آنها درگیری پیدا می‌کنند و این رفتارها گاهی به اخراج آنها از مدارس می‌انجامد (صادقی، احمدی و عابدی، ۱۳۸۱؛ شریفی، ۱۳۸۴).

در تبیین منشا و ماهیت پرخاشگری و جرائم پرخاشگرانه، نظریه پردازان مختلف نقش عوامل زیستی، جامعه‌شناختی و روانشناختی را مطرح کرده‌اند. در تلفیق دو دیدگاه جامعه‌شناختی و روانشناختی، روانشناسان اجتماعی بر نقش عوامل فردی و محیطی در بروز پرخاشگری و جرائم پرخاشگرانه تاکید کرده‌اند و با استفاده از نظریه شناخت اجتماعی تبیین دقیقی از جرم و بزهکاری ارائه داده‌اند.

از سال‌های ۱۹۸۰ به بعد رفتار پرخاشگرانه به طور فزاینده برحسب نقایصی در شناخت اجتماعی توضیح داده شده است (کلتی‌کانگاس - جاروینن<sup>۲</sup>، ۲۰۰۵؛ ابوالمعالی و همکاران، ۱۳۸۸). منظور از شناخت اجتماعی، درک فرد از حالات روانشناختی خود و استنباط او از مردم و روابط و موقعیت‌های اجتماعی است. این شناخت بخش مهمی از شناخت درباره جهان را تشکیل می‌دهد و در کنش‌وری‌های اجتماعی، نحوه قضاوت درباره خود و دیگران و کنترل رفتارها و هیجانات اثر می‌گذارد (ماسن، کیگان، هوستون و کانجر، ۱۳۸۱؛ سانتراک<sup>۳</sup>، ۲۰۰۶؛ بوکاتکو و داهلر<sup>۴</sup>، ۱۹۹۵؛ به نقل از ابوالمعالی، ۱۳۸۹) شناخت اجتماعی، مستلزم مهارت‌های شناختی مختلف و پردازش دقیق اطلاعات اجتماعی است که به منظور حل مسائل اجتماعی، یعنی مسائل مرتبط با شرایط فعلی و پاسخگویی به تقاضاهای درونی و بیرونی به کار گرفته می‌شود. این رویکرد بر نقش متقابل شناخت و محیط در تعیین رفتار تاکید می‌کند (سرین و براون<sup>۵</sup>، ۲۰۰۵) و نظریه‌پردازان مختلف مولفه‌های بسیاری را برای آن برشمرده‌اند.

در مجموع پژوهش‌های انجام شده در زمینه تفاوت شناخت اجتماعی بزهکاران پرخاشگر (بزهکارانی که مرتکب جرائم پرخاشگرانه شده‌اند) و نوجوانان عادی آشکار کرده‌اند که بزهکاران پرخاشگر گرایش

---

<sup>۱</sup> - Lochman & Wayland

<sup>۲</sup> - Keltikangas-Jarvinen

<sup>۳</sup> - Santrock

<sup>۴</sup> - Bukatko & Deahler

<sup>۵</sup> - Serin & Brown



دارند به رفتار دیگران نیت‌های خصمانه نسبت دهند، دنیا و اطرافیان خود را اعتمادپذیر نمی‌دانند و اغلب راهکارهای پرخاشگرانه را برای حل مسأله روزمره زندگی انتخاب می‌کنند (بتمن<sup>۱</sup>، ۱۹۹۸؛ کلتی کانگاس- جاروینن، ۲۰۰۵؛ آدامز و برزونسکی<sup>۲</sup>، ۲۰۰۶؛ به نقل از ابوالمعالی، ۱۳۸۸). به علاوه آنها ظرفیت‌های حل مسأله اجتماعی محدودی دارند و اغلب راهکارهای ناسازگارانه را برای حل مسائل روزمره بکار می‌برند (دی‌زوریلا و نزو<sup>۳</sup>، ۲۰۰۵) و نقایصی در درک دیگران و مهارت‌های ارتباطی نشان می‌دهند (سگرین<sup>۴</sup>، ۲۰۰۳؛ به نقل از ابوالمعالی، ۱۳۸۸).

شرایط در حال گذر جامعه، زندگی اجتماعی کودکان و نوجوانان را با مسائل و پیچیدگی خاص خود مواجه نموده است، در این شرایط یکی از مهمترین مهارت‌هایی که قادر است بالندگی و بهداشت روانی آنان را در مواجهه با مشکلات آینده حفظ و تقویت نماید، مهارت حل مسأله<sup>۵</sup> به معنای اعم و حل مسأله اجتماعی به طور اخص است، به نحوی که افراد ناتوان از حل مسائل و مشکلات غیر قابل اجتناب زندگی، ممکن است با اقدام به راه‌حلهای ناموثر مشکلات خود را بزرگ‌تر و پیچیده‌تر سازند (تاکاهاشی و همکاران، ۲۰۰۹).

پژوهش‌ها نشان می‌دهد کودکان و نوجوانان بخصوص آنهایی که به اختلالات رفتاری دچارند به دلیل کمبود مهارت‌های حل مسأله اجتماعی با مشکلاتی مواجه هستند. رفتار پرخاشگرانه نوجوانان، می‌تواند به عنوان یک عامل پیش‌بینی‌کننده برای بزهکاری، سوء مصرف مواد، افسردگی، افت تحصیلی و غیره باشد. همچنین شواهدی وجود دارد که نشان می‌دهد رفتارهای ضداجتماعی دوران خردسالی با ناتوانی‌های دوران بزرگسالی در ارتباط است (تاکاهاشی و همکاران، ۲۰۰۹).

به همین دلیل آموزش حل مسأله اجتماعی<sup>۶</sup> به عنوان یکی از شیوه‌های مهم و موثر رفتار درمانی شناختی<sup>۷</sup>، می‌تواند در کاهش پرخاشگری و افزایش استفاده از شیوه‌های موثر حل مسأله اجتماعی برای نوجوانان بخصوص آنان که با مسائل و مشکلاتی نظیر بزهکاری دست به گریبانند، موثر و مفید واقع شود.

---

<sup>۱</sup> - Battman

<sup>۲</sup> - Adams & Berzonesky

<sup>۳</sup> - D'zurilla & Nezu

<sup>۴</sup> - Segrin

<sup>۵</sup> - problem-solving skills

<sup>۶</sup> - Social problem-solving training

<sup>۷</sup> - Cognitive Behavior therapy

حل مسأله اجتماعی، یکی از مولفه‌های شناخت اجتماعی و یک فرایند شناختی- رفتاری است، که در آن فرد می‌کوشد برای موقعیت‌های مشکل آفرینی که در زندگی روزمره با آنها مواجه می‌شود راه‌حل‌های سازگارانه و موثر را شناسایی و کشف کند. در این تعریف، حل مسأله اجتماعی به عنوان یک فعالیت هدفمند، مجدانه و آگاهانه و همچنین به عنوان یک پیامد شناختی هدفمند و موثر در نظر گرفته می‌شود (نزو، دزوریلا و نزو، ۲۰۰۵).

گوئرا و اسلابی (۱۹۸۸، به نقل از ابوالمعالی و همکاران، ۱۳۸۸) مطالعه‌ای درباره مهارت‌های حل مسأله انجام دادند و شش مولفه پردازش حل مسئله اجتماعی از جمله، جستجوی اطلاعات، تعریف مسأله، انتخاب هدف، ایجاد راه‌حلهای احتمالی، پیش‌بینی توالی‌ها و اولویت‌بندی پاسخ‌ها را در بزهکاران بررسی کردند. این مولفه‌ها در پسران و دختران زندانی، که مرتکب جرائم پرخاشگرانه (یک یا دو جرم) شده‌بودند و دانش‌آموزان دبیرستانی مقایسه کردند. در کل، نتایج حاکی از این بود که سطوح بالای پرخاشگری با سطوح پایین مهارت‌های حل مسأله اجتماعی همراه است. به علاوه بزهکارانی که مرتکب جرائم پرخاشگرانه شده بودند مشکلات و مسائل اجتماعی را بیشتر از طریق استراتژی‌های ناسازگارانه حل می‌کردند.

در یک برنامه چند وجهی دیگر، پولانچک و همکاران (۲۰۰۵، به نقل از هالین و پالمر<sup>۱</sup>، ۲۰۰۶) گروهی از زندانیان که مرتکب جرائم پرخاشگرانه شده‌بودند یا تاریخچه خشونت داشتند در ۲۸ هفته (۱۲ ساعت در هر هفته) در گروه‌های ۱۰ نفره آموزش دادند. آنها در طی جلسات درمانی ضمن ارائه نمونه‌ای از جرائم پرخاشگرانه، بر اثرات مدیریت منفی خود، هنگام پرخاشگری و هم‌حسی با قربانی و نحوه استدلال اخلاقی تاکید کردند و مهارت‌های حل مسأله اجتماعی و مهارت‌های ارتباطی را به روش رفتار درمانی شناختی آموزش دادند. در این برنامه همراه با آموزش این مهارت‌ها بر همکاری شرکت‌کنندگان در جلسات آموزشی تاکید شد و از تکنیک‌های الگوبرداری شناختی و مرور ذهنی مهارت‌های جدید استفاده شد. بعد از اتمام این برنامه اکثریت شرکت‌کنندگان افزایش قابل ملاحظه‌ای در مهارت کنترل خشم نشان دادند.

با توجه به مطالب گفته شده می‌توان نتیجه گرفت که نوجوانان بزهکاران به دلیل نداشتن مهارت‌های اجتماعی و همچنین نداشتن توانایی حل مسأله، در درون خانواده و همچنین در اجتماع با مشکلات

---

<sup>1</sup> - Hollin & Palmer

زیادی مواجه می‌شوند که باعث می‌شود در روابط بین فردی خود با ناکامی مواجه شده و به دلیل همین کمبود توانایی حل مسأله دست به خشونت بزنند؛ به همین منظور آموزش مهارت‌های حل مسأله می‌تواند برای این افراد مفید و موثر باشد. همچنین در پژوهش‌های مختلفی که در خارج و داخل ایران انجام شده، به تاثیرات مثبت آموزش حل مسأله در کنترل خشم و افزایش مهارت‌های اجتماعی اشاره شده است (دزوریلا، ۱۹۹۰؛ شکیبایی و همکاران، ۱۳۸۳؛ بهرامی، ۱۳۸۴؛ سرین و براون<sup>۱</sup>، ۲۰۰۵؛ واحدی و فتحی‌آذر، ۱۳۸۶؛ وکیلی، ۱۳۸۶؛ تاکاهاشی و همکاران، ۲۰۰۹؛ بکر- ویدمن، ۲۰۱۰) اما به میزان این تاثیرات در مولفه‌های پرخاشگری مانند پرخاشگری بدنی، پرخاشگری کلامی، کینه‌توزی و خشم اشاره‌ای نشده است؛ این مسأله در مورد زیر مجموعه‌های حل مسأله اجتماعی یعنی جهت‌گیری مسأله مثبت، جهت‌گیری مسأله منفی، حل مسأله منطقی، سبک تکانشی- بی‌احتیاطی و سبک اجتنابی نیز صدق می‌کند. هدف پژوهش حاضر نیز پاسخ‌گویی به این سوال است که آیا آموزش حل مسأله اجتماعی تاثیری روی مولفه‌های مختلف پرخاشگری و حل مسائل اجتماعی نوجوانانی که مرتکب جرائم بزهکارانه شده‌اند، دارد؟ و نیز مقدار و میزان این تاثیرات چقدر است؟

### ۱-۳- اهمیت و ضرورت تحقیق

بزهکاری نوجوانان به عنوان یک رفتار غیر معمول از اشکال انحرافات اجتماعی است و گسترش آن حیات اجتماعی را به خطر می‌اندازد. به همین دلیل توجه محققان از جمله جامعه‌شناسان، جرم‌شناسان و روان‌شناسان را به خود جلب کرده است. بزهکاری نوجوانان از این جهت چشمگیر است که آنان بزرگسالان فردا هستند؛ به همین دلیل رفتارهای ضد اجتماعی آنها می‌تواند مشکلات جدی برای خانواده و اجتماع ایجاد کند. آنان در روابط بین فردی خود از مهارت‌های اجتماعی ضعیفی برخوردارند و اغلب از سوی خانواده و همسالان مورد طرد قرار می‌گیرند. پژوهشگران معتقدند که پرخاشگری و کنترل ضعیف، از مهمترین مشکلات این افراد است، بنابراین در مداخلات درمانی باید به این مسائل دقت بیشتری مبذول داشت. پژوهش‌ها نشان می‌دهد که رفتارهای پرخاشگرانه در نوجوانان و کودکان آموخته شده‌اند به همین دلیل آنها می‌توانند مدیریت احساسات را نیز بیاموزند. یکی از روش‌های کنترل خشم در نوجوانان، آموزش حل مسأله اجتماعی است. آموزش مهارت‌های حل مسأله مجموعه‌ای از مراحل است

<sup>۱</sup> - Serin & Brown

که شرایطی را برای هدایت نوجوان فراهم می‌کند تا در موقعیت‌های اجتماعی با پاسخ‌های سازگارانه نسبت به همسالان عمل کند (فرنچ و رودر<sup>۱</sup>، ۱۹۹۲).

شیوع بالای مشکلات رفتاری و جرائم پرخاشگرانه در نوجوانان و صدمات جسمانی و روانی که به قربانیان آنها وارد می‌گردد و همچنین صرف منابع هنگفت مالی جهت ترمیم و اصلاح تخریب حاصل از آنها نیاز به توصیف، شناخت و درمان و بازپروری افراد پرخاشگر و جامعه ستیز را ضروری می‌نماید.

مداخله حل مسأله اجتماعی مبتنی بر مفهوم‌سازی به عنوان نتیجه رویکرد حل مسأله از فواید بسیاری برخوردار است. برای مثال به نوجوان کمک می‌کند تا دریابد که مشکلاتش غیرقابل کنترل و فاجعه‌آمیز نیستند. علاوه بر این رویکرد حل مسأله نوجوان را تشویق می‌کند که برای حل مشکل گزینه‌ها و راه حل‌های مختلفی را به کار بندد و به ارزشیابی آنها پردازد. می‌توان به رویکرد حل مسأله به عنوان یک زنجیره (دزوریلا، ۱۹۸۶) نگاه کرد. نوجوان در این رویکرد ابتدا برای توصیف مشکل و حل آن تلاش می‌کند و سپس به خلق راه حل‌های جایگزین و سبک و سنگین کردن آنها می‌پردازد و هر کدام از آنها را بر حسب اینکه تا چه اندازه در دستیابی او به هدف‌هایش سودمند هستند، مورد بررسی قرار می‌دهد. سرانجام نوجوان ماهیت نتیجه را مورد توجه قرار می‌دهد و به جای پافشاری برای دستیابی به یک نتیجه تمام و کمال به تلاش برای حل مسأله می‌پردازد.

نتایج تحقیقات متفاوت در مورد کارایی آموزشی حل مسأله اجتماعی در کاهش پرخاشگری و همچنین پژوهش‌های معدود و ناکافی در ایران در مورد اثر بخشی این نوع مداخله در نوجوانان بزهکار جهت افزایش مهارت‌های کنترل خشم و همچنین افزایش مهارت‌های حل مسأله اجتماعی، از دلایل ضرورت انجام این پژوهش می‌باشد. همچنین این پژوهش می‌تواند ضمن راهگشا بودن برای تحقیقات آتی زمینه ساز اقدامات لازم در خصوص درمان و بخصوص پیشگیری در نوجوانان پرخاشگری که مشکلاتشان هنوز به صورت جدی بروز نکرده است، باشد.

---

<sup>۱</sup> - French & Rhoder